

دیدگاه‌های موثر در کشف مدل طبیعی:

در نگاه بطلمیوس هستی، همان طبیعت مادی است که از بینهایت مراتب وجودی تشکیل شده است. با توجه به یافته های امروز بشری این طبیعت شامل کوچکترین ذرات یا اتمها (پروتونها، الکترونها و زیر مجموعه های آنها) تا ماورای کهکشانها می باشد که هر یک در جایگاه یا مداری معین شناور هستند. در نگاه اسلامی (که جامعترین آنرا می توان در نگرش ملاصدرايي دید) ضمن صحه گذاشتن به نگاه بطلمیوسي درجات وجودی دیگر را نیز قائل است که خلاصه آن اینستکه از فضاي بطلمیوسي تعبیر آسمان اول نموده و آنرا قشر آسمان دوم وجود و آسمان دوم را قشر آسمان سوم و الي آخر قلمداد می کند. همانطور که ملاحظه می شود فاصله آسمانهای وجودی نسبت به یکدیگر در بینهایتها سیر می کند؛ لذا اهمیت دادن به جایگاه هر عنصر مستقل نسبت به جایگاههای عناصر دیگر در مدل نهایت اهمیت را دارد و عدول از آن به معنای از دست دادن انرژی چشمگیر برای انجام کار می باشد. براساس این دیدگاه توانایی هر چند زیاد افراد از جایگاه غیر طبیعی به هیچ وجه جبران عدم رعایت جایگاه طبیعی را نمی کند.

در نگاه اسلامی این مراتب وجودی بین آسمانها و زمین با کرسی و همچنین کرسی با عرش و عرش نیز با مراتب بالاتر وجودی نیز برقرار است. در مقام تمثیل همچنان که تحمل آسمان ها و زمین برای کرسی همچون تحمل پرگاه بر روی یک میز بزرگ با پایه های قوی می باشد همین نسبت بین کرسی و عرش نیز برقرار است. در دنیای مادی نیز تحمل یک میز برای یک ساختمان بزرگ مانند تحمل پرگاه است توسط یک میز بزرگ و این نسبت بین ساختمان است و کره زمین و همین طور کره زمین با منظومه شمسی یا منظومه شمسی با کهکشان شیري و الي آخر. واقعیتهای فوق به هیچ وجه معنای آنرا ندارد که ما به حقایق کرسی یا عرش پی برده ایم که اندر حقیقت یک الکترون یا پر کاه مانده ایم تا چه رسد به مراتب بالاتر وجود! انصافاً بشریت با اینهمه انباشته دانش از ستاره ها یا کواکبی (نجومی) که در زینت آسمان پائین واقع شده اند چقدر می داند تا بتواند از ماورای آن (آسمانهای دوم به بعد) ادعای خبر داشته باشد.

با توجه به نگرش عمیق فوق و جاری و ساری بودن کلیه قوانین و قواعد حاکم در آسمانها در زمین و از آنجا که بشر در درون آن تعریف می شود، لذا در کلیه شئون زندگی اعم از فردی یا گروهی رعایت مراتب وجود برای عناصر تشکیل دهنده تحقق هر امر الزامی است. حقیقتی که در واقعیتهای سازمانی با آن مواجه هستیم لذا رعایت جایگاه هر عنصر کاری نهایت اهمیت را دارد. با اتکا به مدل طبیعی حرکت و رعایت مراتب وجودی عناصر در طول و عرض یک مأموریت می توان به مجموعه ای از ساختارهای هم افزا دست یافت.

عقل در نقش چراغ نورانی به هر انسان عاقلی راه صحیح رسیدن به هدف را نشان می دهد. برای نیل به مقصود در هر امری، اتکاء به اصل نظم و قانون مندی عناصر تشکیل دهنده هر سیستم، به ما کمک می کند که رفتار واحدی را در کلیه شئون زندگی داشته باشیم تا به این ترتیب هر عنصر در جایگاه طبیعی خود قرار گیرد به گونه ای که هر نوع تجاوزی به حریم دیگر عناصر با عکس العمل شدید آنها مواجه شود و در چنین منظومه ای انتظار دستیابی به هدف، امری طبیعی است.

ارائه مدل طبیعی به عنوان وجه مشترک رفتار کلیه انسانها در رسیدن به اهداف فردی و اجتماعی امکان تعمیم و تولید انبوه را با دقت و سرعت و به نحو منظم و متنوع به آحاد مردم (در نقش مشتری، متقاضی و بهره بردار) می دهد.

هر سیستمی برای مهار عناصر تشکیل دهنده و استقرار و حفظ آن نهایتاً به نقطه ثابتی (هسته مرکزی) متکی است. این واقعیت را در کوچکترین سیستمها نظیر اتم تا بزرگترین سیستمها نظیر منظومه شمسی یا کهکشانها و همچنین سیستمهای معمولی نظیر ساختمان، اتومبیل، سد و کشتی می توان مشاهده کرد. این رویه در شکل گیری علوم دانشگاهی نظیر آمار با تعریف فرض صفر و تکیه کردن پدیده های آماری حول محور آن مبنی بر قبول یا رد نظریه و امثالهم نیز معمول است. بنگاه های اقتصادی برای استمرار حیات خود مجبورند کلیه رخدادهای خود را حول محور حسابداری کلی براساس اسناد مثبته بدهکار و بستانکار ثبت کنند تا بر این مبنا بتوانند از وضعیت شرکت تصویری متعادل نسبت به واقعیت بازار ارائه کنند.

مثالهای ارائه شده می تواند در کلیه مصادیق شخصی و اجتماعی تعمیم یابد. تذکر این نکته ضروری است که در مطالعه عناصر و تعامل بین آنها در هر مصداق، رعایت سطح و لایه مربوط ضروری است. ارتقاء سطح یا لایه بعده علما و دانشمندان و محققان در کلیه امور حسب مورد می باشد.

بالاترین درجه حق بر يك شينئي مالکیت بر آن است و مالک است که برای مدیر خطمشی تعیین می‌کند و این حقیقت را در سوره حمد از قرآن کریم شاهد هستیم و مالک برای مملوک اصالت را در اراده جهت اتخاذ راه معرفی می‌کند و مهمترین پیام این مدل اتخاذ راه طبیعی برای رفع مشکل است لذا این مهم به حاکمیت به نمایندگی از مالک سپرده شده است.

در اداره يك سازمان اعم از دانشگاه، شهرداری، ... و حتی کشور بایستی به دنبال این تکیه گاه بود در غیر اینصورت عناصر تشکیل دهنده هر يك از این مجموعه‌ها همچون اسب چموش و سرکش موجب تباهی صاحب آن می‌شود. می‌توان این سنت را از فرمایش خالق هستی در مهار آسمانها و زمین در چارچوب کرسی ملاحظه کرد. گویی عناصر تشکیل دهنده آسمانها و زمین در برگشت به اصل خود (با ویژگی ذاتی لامکانی و لازماني) بی‌تابی دارند و به تدبیر خداوند برای تحقق هدف غایی از خلقت در چارچوبی، آرام و قرار گرفته‌اند به گونه ای که حفظ آن کوچکترین زحمتی برای صاحب آن (خدای علیّ عظیم) ندارد. شاید اشکال هندسی سه بعدی نظیر صندلی، چهارپایه، چارچرخ، کعبه و مکعب به عنوان نماد استقرار و پایداری در کمک به مفهوم کرسی خالی از لطف نبوده و احتمال ارتباط آنها با این کلمه بعید نباشد. لذا با توجه به اصل وحدت وجودی در کلیه مراتب هستی حتی در پائین ترین درجه آن - زندگی مادی بشر - با چنگ زدن به چنین ساز و کاری می‌توان به حاکمیتی زنده، استوار و بیدار در تمثیت امور مردم و پایبند به اصول حاکم بر آن دسترسی یافت. طبیعی است اداره يك کشور حول این تکیه‌گاه قابل دوام خواهد بود. بنظر می‌رسد ارائه دادن کلیه امور کشور به مدل پیشنهادی، با تکیه بر ماهیت هر عنصر و پایبندی به آن، ضمانت تحقق نظریات مدیریتی و اقتصادی بالنده و مبتنی بر اسلام را فراهم سازد. در چنین روشی میزان تحمل خسارت حاصل از تن دادن به شرایط ثانویه در قبال عواید مکتسبه در دو کفه ترازو اندازه‌گیری می‌شود تا بطور محدود بتوان پذیرای آن شد. ارتقاء سطح مدل متکی به علما، دانشمندان و کلیه کسانی است که لازم است مشتری را متوجه سازند که سطح نیاز آنان منفعل از شرایط تحمیلی کنونی نباشد و با ارائه نمونه‌های موفق، آنان را متقاعد سازند که تحول به سطح بالاتر در بیان نیاز و دریافت سطح خدماتی بالاتر لازم است. این واقعیت در بالاترین سطح آن که همانا دیانت می‌باشد، در اصل نبوت با حدیث «العلماء ورثة الانبياء» مصداق یافته است.

از منظر دیگر این مدل راه چگونه بر طرف کردن مشکلات را می‌نماید که چیزی جز اصل امامت (۱) نیست و اینکه در اندیشه و رفتار از نظم واحدي برخوردار باشیم این نیز چیزی جز اصل توحید (۲) نیست. استحکام در تار و پود عناصر حکایت از اصل عدل (۳) و مزد حاصل از رعایت یا عدم رعایت توالی حرکت طبیعی اصل معاد (۴) و جلب توجه مشتری به انتظار دریافت کالای برتر در مقابل سرمایه موجود و مؤید اصل نبوت (۵) است.

به تعبیر دیگر مدل پیشنهادی، چیزی جز ارج نهادن به اصول امامت، توحید، عدل، معاد و نبوت نیست. اصولی که به مردم کشور شخصیت، استواری و وحدت در رفتار ملی را می‌بخشد. از آنجا که مدل طبیعی برخاسته و منبعث از فطرت آدمی و دستگاه آفرینش می‌باشد لذا حکم ریسمان محکمی را دارد که در هر شرایطی در دسترس و چنگ زدن به آن آسان می‌باشد.

تأثیر چشمگیر این مدل در رفع نیازهای مشتری، روز به روز حقانیت و صدق ادعای قرآن مبین مبنی بر "و عنده مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو و يعلم ما في البر و البحر و ما تسقط من ورقه الا يعلمها و لا رطب و لا يابس الا في كتاب مبين" برای استفاده کننده آن آشکار می‌سازد و بر یقین وی می‌افزاید. همچنین این باور که سوره حمد فشرده قرآن کریم است و تکیه بر آن برای اداره زندگی عقلایی کافیهست و همخوانی آیات آن با آیاتی نظیر "و ما رميت اذ رميت و لكن الله رمي" با مطلق بودن مالکیت "رب العالمين" و لزوم یاری جستن صرف از "او" و با بکار بستن مدل طبیعی حرکت در لحظه لحظه زندگی ما را در رفع مشکلات مبتلا به، اعم از التیام درد تا ساختن محصولات پیچیده همچون موشک، شکافت اتم و مهار آن، یا دستیابی به کنه ذرات بنیادی تا کیهانشانها در آسمانهای لایتنهای قادر می‌سازد. مشکل فهم ماست که با تکیه بر مدل حرکت طبیعی میتوان این نقیصه بزرگ را رفع کرد و در هر لحظه نسبت به لحظه قبل احساس رشد نمود. از آنجا که همه تجلیات عالم هستی جلوه‌هایی از ذات او است لذا همچون عارف راه حق میتوان از این بُعد نیز به غنای مطلق خالق و نیاز مطلق مخلوق به وی پی برد. حقیقتی که در رفتار و گفتار بزرگان بشریت موج می‌زند. شوق درك حقیقت وجودی اشیا در زمزمه "رب ارنی الاشياء كما هي" و کسب صلاحیت و مجوز ورود از قفس تنگ و زندان تاریک تن به آغوش پراز نور و شادی عالم هستی است و در پیوستن به این کاروان مرکب از کلیه موجودات

هستي و مالا مال از انتظار بطور هارمونيك و همنوا در تسبيح گويي و لبيك گفتن براي نيل به "او" هم پايي مي كند. در سازماندهي و رعايت منطق و اصول به طور مطلق در مدل حركت مطابق نمودارهاي ۱-۱۴ و ۱-۱۴-۲ صرف انرژي و مدت انجام برابر صفر مي شود كه مصداق اتم عبارت "كن فيكون" توسط خالق يكتا است. همچنين براي مثال ارزش نهايي سرمايه گذاري اندك حضرت خديجه سلام الله عليها همسر پيامبر (ص) در ريشه گرفتن و انتشار اسلام در مقايسه با سرمايه هاي مطرح در ايران و روم زمان خود از چه بازدهي عظيم و استمرار دائم برخوردار مي شود و محاسبه آن در فرمول هاي (۱-۱۴) ارزش بينه ايت را نشان مي دهد. اين همنوايي را در گفتارهاي نغز ائمه اطهار (ع) نظير دعاهاي شعبانيه و عرفات مي بينيم. حقيقت پيوستگي کاربرد مدل طبيعي حركت را مي توان در مفاهيم طرح شده از طرف حكما و شعراي بزرگ مي بينيم كه نمونه اي از آن در اشعار زير از ملاي رومي موج مي زند.

دل هر ذره اي كه بشكافي آفتابيش در ميان بيني

و يا

ذكر تسبيحات اجزاي نهان غلغلي افكند اندر آسمان

و ان من شئ الا يسبح بحمده و لكن لا تفقهون تسبيحهم

گر ترا از غيب چشمي باز شد	با تو ذرات جهان همراز شد
نطق خاك و نطق آب و نطق گل	هست محسوس حواس اهل دل
جمله ذرات عالم در نهان	با تو مي گویند روزان و شبان
ما سميعيم و بصير و با هشيم	با شما نامحرمان ما خامشيم
از جمادي سوي جان جان شويد	غلغل اجزاي عالم پش نويد
فانش تسبيح جمادات آيدت	وسوسة تأويلها بزدايدت

بنظر مي رسد كليد معما فهم صحيح از اصل تقليد به عنوان شرط لازم و ممارست در تطبيق موضوع با حكم به منظور ارجاع مسئله به اهل آن شرط كافي در گلوگاه هر نوع امري است. رعايت اين اصل فارغ از نگرش ارزشي انسانها است. بديهي است نگرش الهي با وارد دانستن عوامل غيبي در حيطه آزمایشگاهی قابل شهود، استمرار و ماندگاري تصميم را فراهم مي سازد. به بيان ديگر مدل توالي حركت طبيعي همان "مدل تقليد" مي باشد كه چيزي جز ارجاع امور خود به متخصص مسئول نيست. اميدوارم علما، دانشمندان و مسئولين نظام در اداره كشور اسلامي مصداق شعر حافظ شيراز نباشند:

سالها دل طلب جام جم از ما مي كرد آنچه خود داشت ز بيگانه تمنا مي كرد
گوهری کز صدف کون و مکان بیرون بود طلب از گمشدگان لب دریا می کرد

مدل به ما مي آموزد هر جا كه باشيم، ابتدای راهيم و قانع نبودن به وضع موجود و اميد به ارتقا و حركت به سوي هدف و چشم انداز غائي رمز حيات است. واقعيت دسترسي ساده و چنگ زدن به مدل به عنوان تكيه گاه مطمئن و ريسمان محكم در هر شرايطي حقيقي است، لذا نااميدي در اين مدل محلي از اعراب ندارد.

از ابتدای پيروزي انقلاب اسلامي و واقعيات نظام پولي و مالي كشور و تأثيرگذاري منفي بودجه كل كشور بر آن متوجه اين واقعيت تلخ شدم كه روند (استراتژي) غلط اداره كشور در رژيم منحوس شاهنشاهي ارثيه شومي است كه به نظام اسلامي رسيده است و كشور در اين ورطه خطرناك به سمت مركز آن كشانده مي شود. به دنبال راه حلي بودم كه خوشبختانه پس از ۲۵ سال با دستيابي به مدل طبيعي احساس مي كنم مي توان اداره امور كشور را به مسير درست انداخت و مهندسي كشور را

براساس شعار استقلال طراحي و متحول ساخت و اين توفيق مرا به ياد شعر پرمغز حافظ عليه الرحمه
مي اندازد:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند وندر اين ظلمت شب آب حياتم دادند
علي رغم ايمان به كارايي مدل طبيعي در حل كلييه مشكلات مردم متأسفانه انتقال
اين مفهوم به مسئولين نهادهاي رده بالاي نظام بسيار مشكل مي نمايد و از تأخير آن به ياد
شعر زير مي افتم:

حاصل عمرم سه سخن يافتم خام بودم ، پخته شدم ، سوختم

والسلام.